

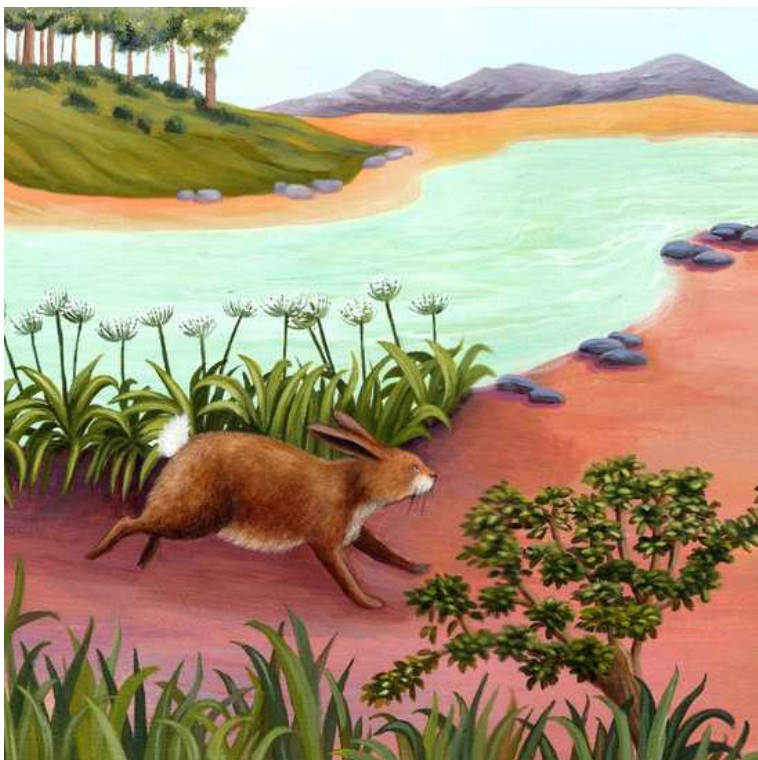
چرا گرگدن مو نداشت



- ✎ Basilio Gimo, David Ker
- 👤 Carol Liddiment
- 📖 Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-e Danesh Library)
- 💬 dari
- 📊 nivå 2



پک روز، خرگوش کنار رودخانه راه می‌رفت.



گَرگَدَن هَم بَرایِ قَدَم زَدَن وَ خورَدَن مِقْداری عَلفِ سَبزِ
دِلِپذیراَنجا بود.





گرگدن، خرگوشی را که آنجا بود ندید و تصادفاً روی پای
خرگوش پا گذاشت. خرگوش شروع به چیغ زدن کرد و گفت،
"هی گرگدن! نمی بینی که روی پای من ایستاده‌ای؟"



گرگدن از خرگوش عذرخواهی کرد، "من خیلی متاسف هستم.
من تو را ندیدم. خواهش می‌کنم من را ببخش!" ولی خرگوش،
گوش نمی‌داد و سرِ گرگدن چیغ زد و گفت "تو قصداً این کار
را کردی! یک روز، پشیمان خواهی شد! تو باید تاوان این کارت
را پس بدهی."



خَرگوش رَفَت تا آتَش پيدا كُرد و به او كُفَت، "بُرو، وَقَتِي كِه
كِرگَدَن اَز آب بِيرون اَمَد تا عَلف بِخورد، او را بِسوزان. او رويِ
پاي مَن پا كُذاشت!" آتَش پاسُخ داد، "هِيچ مُشِكلي نِيست،
خَرگوش جان، دوستِ مَن، مَن اَنچِه را كِه تو خواستي اَنجام
مِي دَهَم."



بَعْدًا، كَرَّكَدَنٌ وَوَقْتِي دُورَ اَز رُودخَانِه عَلَفِ مِي خُورَد نَاكَهَان، اَتَش
اَو رَا فَرَا كِرْفَت. اَتَش زَبَانِه كِشِيد. شُعَلِه هَايِ اَتَش شُرُوع بِه
سُوزَانَدَنِ مَوْهَائِي كَرَّكَدَنِ كَرْدَنَد.



گرگدن شروع به گریه کرد و به سمت آب دوید. تمام موهایش
با آتش سوخته بود. گرگدن به گریه گردنش ادامه داد و گفت،
"موهای من در آتش سوخت! همه‌ی موهای من کنده شد! موهای
قشنگم!"

خرگوش خوشحال بود از اینکه موهای گرگدن سوخته بود و
تا امروز کرگدن به خاطر ترس از آتش، هیچوقت دورتر از آن
رودخانه نرفته است.





Sagor för barn på svenska

berattelser.se

چرا گرگدن مو نداشت

Skriven av: Basilio Gimo, David Ker

Illustrerad av: Carol Liddiment

Översatt av: Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-e Danesh Library)

Denna saga kommer från African Storybook (africanstorybook.org) och vidarebefordras av Sagor för barn på svenska (<https://berattelser.se/>), som erbjuder sagor på många språk som talas i Sverige.

Detta verk är licensierat under en Creative Commons

[Erkännande 3.0 Internasjonal Lisens](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0/).